مقام شهدا و سالار شهیدان در نظرگاه استاد مطهرى(ره(

چقدر اشتباه (است) که ما با جمله »مداد العلماء افضل من‏دماء الشهداء« ارزش شهید و شهادت را پایین مى‏آوریم. آنچه الهام‏بخش‏امروز ماست آن قلم‏ها نیست، آن جانبازیهاى تاریخى و آن خونهاى بر زمین‏ریخته است، آن سرگذشتهاى نورانى است. پیام اسلام را جهادها، هجرتها،فداکاریها، جانبازیها به جهان رسانده است.[1]

به طور کلى روحیه‏هاى کوچک چون از خود درد ندارد وهدف ندارند(همه دردها و هدفهایشان در خواسته‏هاى جسمانى خلاصه‏مى‏شود) و ایده‏آل ندارد، تن‏ها را به زحمت نمى‏اندازد، به لقمه‏اى که به‏دریوزگى تحصیل مى‏کنند قناعت مى‏کنند، امّا روحیه‏هاى بزرگ همیشه تن‏را به حرکت وامى‏دارند و در زحمت و بلا قرار مى‏دهند، به همین جهت‏شهادت براى آنها افتخار است و نشانه عظمت نفس آنان است.[2]

منطق شهید، یعنى منطق کسى که براى جامعه خودش پیامى دارد و این‏پیام را جز با خود با چیز دیگرى نمى‏خواهد بنویسد.[3]

هیچکس به اندازه شهدا بر بشریت حق ندارد.[4]

شهدا شمع محفل بشریتند، سوختند و محفل بشریت را روشن‏کردند.[5]

بلندترین آرمان نیکان این است که در آدم‏سازى شرکت کنند یعنى‏مصلح باشند.[6]

عالم و مربى و صنعتگر و فیلسوف و منفق مدیون شهدایند و شهدامدیون کسى نیستند.[7]

مثل شهید، مثل شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانى شدن‏و پرتو افکندن است، تا دیگران در این پرتو که به بهاى نیستى او تمام شده‏بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند.[8]

دو شخصیت مصلح و عارف را اگر ترکیب کنند و از آنها یک انسان به‏وجود بیاورند، شهید به وجود مى‏آید.[9]

منطق شهید، منطق سوختن و روشن کردن است. منطق حل شدن وجذب شدن در جامعه براى احیاى جامعه است. منطق دمیدن روح به اندام‏مرده ارزشهاى انسانى است. منطق حماسه‏آفرینى است، منطق دورنگرى‏بلکه بسیار دورنگرى است.[10]

شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع، این شهدا هستند که به یک‏اجتماع و در رگهاى اجتماع - خاصه اجتماعاتى که دچار کم‏خونى هستند -خون جدید وارد مى‏کنند.[11]

یکى به فکر خود ارزش و ابدیت و جاودانگى مى‏بخشد و آن عالم یافیلسوف است، یکى دیگر به فن و هنر یا صنعت خود ارزش و ابدیت وجاودانگى مى‏بخشد. امّا شهید به خون خود، و در حقیقت به تمام وجودهستى خود، ارزش و ابدیت و جاودانگى مى‏بخشد. در حقیقت هر گروه‏دیگر به قسمتى از مایملک خود جاودانگى مى‏بخشد و شهید به تمام مایملک‏خود.[12]

شادى کردن در شهادت شهید از بینش فردگرایى مسیحیت ناشى‏مى‏شود و گریه بر شهید از بینش جامعه‏گرایى اسلام.[13]

بزرگ‏ترین حادثه عاشورا و تاریخچه کربلا دو صفحه دارد، یک‏صفحه سفید و نورانى و یک صفحه تاریک سیاه و ظلمانى که هر دوصفحه‏اش یا بى‏نظیر است و یا کم‏نظیر.[14]

در شب عاشورا اول کسى که اعلام یارى نسبت به اباعبداللَّه کرد برادررشیدش ابوالفضل بود.[15]

روز عاشورا روز معراج حسین بن على(ع) است روزى‏است که ما باید از روح حسین از غیرت حسین از مقاومت حسین از شجاعت‏و دلیرى حسین از روشن‏بینى حسین پرتوى بگیریم بلکه ما هم ذره‏اى آدم‏شویم؛ بیدار شویم.[16]

هیچ‏وقت خون شهید هدر نمى‏رود، خون شهید به زمین نمى‏ریزد،خون شهید هر قطره‏اش تبدیل به صدها قطره و هزارها قطره بلکه به دریایى‏از خون مى‏گردد و در پیکر اجتماع وارد مى‏شود.[17]

شهید حماسه‏آفرین است، بزرگ‏ترین خاصیت شهید حماسه‏آفرینى‏اوست در ملتهایى که روح حماسه مخصوصاً حماسه الهى مى‏میردبزرگ‏ترین خاصیت شهید این است که آن حماسه مرده را از نو زنده مى‏کند،لهذا اسلام همیشه نیازمند به شهید است چون همیشه نیازمند به‏حماسه‏آفرینى است حماسه‏هاى نو به نو و آفرینشهاى نوبه نو.[18]

حسین بن على(ع) درس غیرت به مردم را از درس تحمل‏شداید و سختیها به مردم داد اینها براى ملت مسلمان درسهاى بزرگى بود،پس اینکه مى‏گویند حسین بن على چه کرد وچطور شد که دین اسلام زنده‏شد، جوابش همین است که حسین بن على روح تازه دمید، خونها را به جوش‏آورد، غیرتها را تحریک کرد، عشق وایده‏آل به مردم داد، حس استغناء درمردم به وجود آورد.[19]

هیچ کس به اندازه شهید به بشریت خدمت نکرده است چون آنهاهستند که راه را براى دیگران باز مى‏کنند و براى بشر آزادى را به هدیه‏مى‏آورند، آنها هستند که براى بشر محیط عدالت به وجود مى‏آورند، که‏دانشمند به کار دانش خود مشغول باشد، مخترع با خیال راحت به کار اختراع‏خودش مشغول باشد و... .[20]

تقواى مجاهدین، تقواى پاک‏باختگى است. شهیدان تمام مایملک خودرا در طبق اخلاص گذاشته و به حق تسلیم کرده‏اند، آنان این جامه از جامه‏هاى‏تقوا را بر تن کرده‏اند.[21]

شهادت به حکم اینکه منطق عملى آگاهانه و اختیارى است و در راه‏هدفى مقدس است و از هرگونه انگیزه خودگرایانه منزه و مبراست،تحسین‏انگیز و افتخارآمیز است و عملى قهرمانانه تلقى مى‏شود.[22]

شهادت از نظر اسلام از جنبه فردى یعنى براى شخص شهید یک‏موفقیت است، بلکه بزرگ‏ترین موفقیت است؛ آرزوست بلکه بزرگ‏ترین‏آرزوست.[23]

شهید به خون خود و در حقیقت به تمام وجود و هستى خود ارزش وابدیت و جاودانگى مى‏بخشد خون شهید براى همیشه در رگهاى اجتماع‏مى‏جهد.[24]

اطراف کلمه شهید را هاله‏اى از قدس و تعالى احاطه کرده است به کسى‏شهید گفته مى‏شود که در یک راه مقدس و براى هدفى مقدس جان خود را ازدست بدهد.[25]

یکى از چیزهایى که به نهضت حسین بن على(ع) ارزش‏زیادى مى‏دهد روشن‏بینى است روشن‏بینى یعنى چه؟ یعنى‏حسین(ع) در آن روز چیزهایى را در خشت خام دید که دیگران‏در آینه هم نمى‏دیدند ما امروز نشسته‏ایم و اوضاع آن زمان را تشریح مى‏کنیم‏ولى مردمى که در آن زمان بودند آن چنان که حسین بن على(ع)مى‏فهمید نمى‏فهمیدند